



شعر های « انقلابی » یا انقلابی

شاعران وابسته به اتحاد شوروی سابق

شاعران و نویسندگان وابسته به باند خلق و پرچم از آنچه در گذشته نوشته اند پشیمان نیستند. مگر مداحی ها و روسی ستایی های سابقه را تجدید چاپ هم نمی کنند. شاید می شرمند. فعلا قوم پرستی می کنند و یگان جای افتخار دارند که با اجازه دادن موسیقی و شعر و ادب "انقلابی" می کشتند، انقلابی شکنجه میکردند. یا نقاب بیدل را که برای مردم شریف افغانستان بسیار نام محترم بوده است، در روی سیاه خود می کشند. از خداوند میخواهیم که روح بیدل شما را بشرماند. بیدل که مزدور و خاین نبود. رحمان بایا که قاتل و مزدور نبود. بس کنید. شاعران مزدور روسیه شوروی شعر های را که در آنها روسها را مدح و صفت کردند تجدید چاپ نمی کنند.

بخاط اینکه نسل فعلی اینها را خوب بشناسند، ما در نظر داریم منبع یگان پارچه اشعار به اصطلاح انقلابی این مداحان و نوکر صفتان را انتشار بدهیم

فعلا بعد از یک نظر گذرا به تاریخچه کتاب در افغانستان و به تعقیب آن شعرهای از بارق شفیع، اسدالله حبیب، غلام دستگیر پنجشیری را مطالعه کنید و اینها را خوبتر بشناسید. اینها خیانت ها و کار های ضد ملی که در گذشته انجام داده اند پنهان نموده و نمی خواهند کسی از آن ها یاد نماید.

در سال 1357 با ظهور حکومت کمونیستی در افغانستان کتاب به یک امر ایدیولوژیک تبدیل شد. هر کتابی که با ایدیولوژی رسمی دولت مطابقت نداشت ممنوع شد. سانسور مطبوعات شدید شد و شمار کثیری از دانشمندان کشور زندانی و یا کشته شدند. یک عده هم ترجیح دادند که خاموش باشند. هر چند از نگاه کمی حکومت کمونیستی کتاب های زیادی را در افغانستان چاپ کرد، ولی به خاطر بستگی فضای خلایقیت، کیفیت ظاهری و باطنی آثار به شدت دچار تنزل شد

اگر به گذشته های دور نظر گذرا بیاندازیم می بینیم که چاپ و نشر کتاب را مورخین از زمان امیر حبیب الله خان با نشر سراج التواریخ که مهمترین کتاب تاریخ افغانستان به شمار می رود توسط

مرحوم فیض محمد کاتب تالیف شده است و هم نشر نشریه سراج الاخبار را که یکی از بانفوذترین نشریات در منطقه در عصر خود بود می دانند در زمان زمامداری اعلیحضرت امان الله خان غازی نیز به نشر کتاب ، نشریه و مجله فعالیت های بیشتری صورت گرفت . به تعداد زیادی کتب های معلوماتی ، مجموعه های شعری و غیره اقبال چاپ یافت.

زمانی که نظام نادرشاهی در افغانستان برقرار شد در اوضاع فرهنگی کشور تغییر فاحشی رو نما گردید زیرا در افغانستان یک فضای خفقانزای فرهنگی و سیاسی به وجود آمده و تعداد کثیری از روشنفکران ، ادبا و شعرای که در زمان امان الله خان رشد کرده بودند بنام امانی و امانیست راهی زندان شدند جز یک تعداد از نویسندگان و شعرای که توانستند با همه نابه سامانی های دستگاه بسوزند و بسازند . این روند سال های زیادی را در بر گرفت تا آهسته آهسته فضا باز تر شده و انجمن تاریخ ، انجمن جامی ، دایره المعارف آریانا و ده ها انجمن های فرهنگی دیگری در اواسط دوران محمد ظاهر شاه به فعالیت های فرهنگی آغاز کردند و نویسندگان و شعرا توانستند تا اندازه فراورده های شانرا در مجلات ، روزنامه ها ، ویا هم به شکل مجموعه شعری انتشار بدهند . اما نشرات در افغانستان کاملاً تحت نظر و سانسور دولت قرار داشت ریاست نشرات وزارت اطلاعات و کلتور هر کتاب ، مجموعه شعری و غیره را قبل از چاپ و هم بعداز چاپ دیده اجازه پخش آنرا صادر می کرد و نویسنده ویا شاعر مجبور و مکلف بود تا طبق هدایت ریاست نشرات وزارت اطلاعات و کلتور کتاب ویا اشعارش را اعیار می ساخت . کم نبود کتاب های که بعداز چاپ نیز از مطبوعه دولتی خارج نشده و به تحویلخانه مطبوعه سال های سال باقی مانده بود که میتوان از آن جمله کتاب ها کتاب « افغانستان در مسیر تاریخ » میر غلام محمد غبار را نام برد .

باسقوط رژیم شاهی و به میان آمدن رژیم جمهوری داود شاهی هم فعالیت های چندانی در قسمت طبع و نشر کتاب صورت نگرفت . و کتاب های که در تحویلخانه های مطبوعه وجود داشت مانند رژیم شاهی باقی ماند .

در سال 1357 با ظهور حکومت کمونیستی در افغانستان کتاب به یک امر ایدیولوژیک تبدیل شد . هر کتابی که با ایدیولوژی رسمی دولت مطابقت نداشت ممنوع شد . سانسور مطبوعات شدید شد و شمار کثیری از دانشمندان کشور زندانی و یا کشته شدند . یک عده هم ترجیح دادند که خاموش باشند . هر چند از نگاه کمی حکومت کمونیستی کتاب های زیادی را در افغانستان چاپ کرد ، ولی به خاطر بستگی فضای خلاقیت ، کیفیت ظاهری و باطنی آثار به شدت دچار تنزل شد

طبع و نشر کتاب کاملاً شکل سیاسی و روس گرایی را به خود گرفت نشرات افغانستان یک سره مداح تره کی و کودتای ثور و شوروی شد روزنامه ها ، مجلات ، رادیو و تلویزیون همه به همان سمت روان بودند جز تعریف و تجمید حزب ، کودتای منحوس ثور " انقلاب شکوهمند " ، دشمن ستیزی ، روس گرایی چیزی دیگر در نشرات دیده نمی شد حتی خوب به خاطر دارم که در یکی از برنامه ها که هفته سه بار بنام « جام جم » از طریق رادیو افغانستان نشر می شد سرمقاله های روزنامه پروادا نشریه کمیته مرکزی حزب سیوسالیستی اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی برگرداننده شده به زبان فارسی دری ویا پشتو انتشار می یافت آن برنامه سرمقاله پروادا را نداشت اصلاً قابل نشر نبود .

رژیم دست نشانده در چوکات کمیته مرکزی حزب شعبه را به میان آورد بنام ریاست تبلیغ و ترویج که در راس آن خانم جمیله پلوشه قرار داشت این اداره تمام نشرات افغانستان را تحت کنترل داشت درحقیقت هیچ گونه اعتمادی به وزارت اطلاعات و کلتور وجود نداشت .

همین اداره چندین اتحادیه یا انجمن هارا به وجود آورد مانند اتحادیه هنرمندان اتحادیه نویسندگان شعر ، اتحادیه ، انجمن طبع و نشر ، انجمن نویسندگان افغانستان و غیره .

انجمن نویسندگان افغانستان از بدو تاسیس ، کتاب و مجموعه های شعری بسیاری را انتشار داد که اکثر این کتاب ها و مجموعه های شعری توسط رفقای حزبی تهیه شده بود ویا اینکه به مزاق دولت و مشاورین روسی برابر بود .

درسفر اخیری که به کابل داشتم کتابی را دستیاب نمودم بنام « کابل در آینه شعر » این کتاب از طرف انجمن نویسندگان افغانستان درسال 1366 خورشیدی در مطبوعه حزبی به تعداد 2000 جلد در 178 رویه با قطع و صحافت کوچک با کاغذ عادی زرد رنگ طبع شده است

در مقدمه این کتاب که به قلم دستیگر پنجشیری یکی از سرسپرده گان و مدیحه سرایان روسی به شمار می رود، نوشته شده در یک قسمت از این مقدمه می خوانیم که :

شهر کابل گهواره قیام های ملی و دموکراتیک ضد استعمار بریتانیا و ضد استبداد فیو دالی و شهر انقلاب است بعداز انقلاب ثور این شهر به یکی از گرهگاه های حاد سیاسی منطقه ما و جهان بدل شده و در مرکز توجه ملل و مردمان قاره آسیا و سیاره ما قرا گرفته است .

اما این به اصطلاح اکادمیسن از استعمار و تجاوز روسیه به افغانستان سخنی نمی راند که کابل و افغانستان و مردم افغانستان را به چه روزی انداخته است که تا امروز نمی تواند به پای خود بایستد .

دراین مجموعه اشعار 27 شاعر افغانی و خارجی که دروصف کابل اشعاری داشتند جمع آوری شده مانند صائب تبریزی ، اقبال لاهوری ، قاری عبدالله ملک الشعرا ، مستغنی ، ابراهیم خلیل ، یوسف آینه ، ضیا قاری زاده و غیره که همه دروصف کابل ، طراوت و زیبایی ، کوه و دمن ، باغ و بوستان ، و ارغوانزار کابل را به تصویر کشیده شده است اما در اشعار آنده از شعرای که وابسته به رژیم دست نشانده هستند از زیبایی های کابل سخن کمتر رانده شده و بیشتر به وابسته ساختن کابل ویا بهتر گفته شود کاهی به مسکو تشبیه شده و زمانی هم به آشیانه عقاب های انقلاب .



از همین مجموعه سه شعری به اصطلاح انقلابی انتخاب گردید تا مردم ما ببینند و بشناسند شاعرانی را که نوکر منشی و شوروی گرایی را به حدی رسانیده بودند که جز انقلاب و شوروی به چیزی دیگر فکر نمی کردند نه به هویت ملی شان و نه به فرهنگ اجدادی شان و نه به وطن باستانی شان .

1) بارق شفعی درسال 1310 خورشیدی درکابل متولد شده از دانشگاه حقوق و علوم سیاسی سند فراغت به دست آورده

اما بیشتر کار های بارق در زمینه شعر بوده است یکی از اعضای برجسته حزب دموکراتیک خلق و یکی از اعضای کمیته مرکزی بوده و هم مدیر مسئول ارگان نشراتی حزب « جریده خلق » بوده است

در زمان رژیم دست نشانده شوروی سابق به عنوان وزیر اطلاعات و کلتور ، وزیر ترانسپورت ، مستشار دولت در اتحاد شوروی سابق ، کار کرده است .

این هم شعری تحت عنوان « کابل و مسکو » که در ماه جدی 1341 در کابل سروده شده است .

بعد ها این شعر در لابلای موسیقی توسط یکی از هنرمندان حزبی به آب و تاب بیشتر سروده شده است این هنرمند فعلا در آلمان زنده گی می کند ولی از سرودن این آهنگش خجالت می کشد .

کابل و مسکو

از مهر و محبت ثمر کابل و مسکو

وز وحدت دل ها اثر کابل و مسکو

صلحست و صفا از نظر کابل و مسکو

تا کابل و مسکو دو دل اهل وفایند

جز بر رخ هم بابا محبت نگشایند

بگذار بود باز در دل کابل و مسکو

تا در پی صلح بشری دست به کارند

جز دوستی خلق جهان کار ندارند

پر مهر تپد دل به پر کابل و مسکو

دل ها شده پیوند به پیمان مودت

یک جان به دو پیکر بدمیدست محبت

در دوستی بنکر هنر کابل و مسکو

نابود شود هر که به نیستی ماست

تا هست جهان شاهد همزیستی ماست

بوم و بر کوه و کمر کابل و مسکو (1)

شعرشاعر دیگر که در مجموعه کابل در آینه شعر در در رویه 162 تحت عنوان کابل انتشار یافته از داکتر اسد الله حبیب است .



2) داکتر اسد الله حبیب در سال 1320 خورشیدی در کابل متولد شده ، از دارالمعلمین کابل فارغ گردیده ، لیسانس خود را از شعبه فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه کابل گرفته و دوکتورای خود را زیر عنوان بیدل و چهار عنصر در رشته ادبیات از دانشگاه دولتی مسکو دریافت نموده است بعدا به حیث استاد در دانشگاه کابل پرداخته است مدتی به حیث رئیس دانشگاه کابل ، رئیس انجمن نویسندگان ، عضو اکادمی علوم کار کرده است اشعار داکتر اسد الله حبیب در دو مجموع که از نظر بنده گذشته مجموعه « خط سرخ » و مجموعه « وداع با تاریکی » می باشد که در هر دو مجموعه اکثر شعر های انقلابی اش جاداده شده است

کابل شعری است که در ماه جولای 1981 سروده شده است

کابل

ای فسانه شهر، شهره بافسانه مرد ها

با حماسه آفرین زنان

کوه و باره قدیمت

پهلوان تیغ آخته به دوش

صخره نو شاعر نشا

با لبان بسته ، دل پراز خروش

هر درخت

سبزجامه عاشقی ستاده

پنجهاش تا ستاره ها کشاده

زان ها به باد داده

با ترانه های عشق در گلو

هر پرنده ات فرشته یی که از رهایی اش سروده ها به لب

مادر زمین شرفیت

این زمین درد دیده

انقلاب تابناک ثور زاد

ثور پرفروغ

ثور نامدار

جاویدانه « شیر دروازه » ات

که نام شیر سرخ آفتاب باد

آفتاب کامیابی و برابری و عدل

« آسمایی » ات آشیانه عقب های انقلاب

کابل !

ای همه بلندی

ای همه غرور

کودک تو از نخست روز

چشم بر فراز دو خاست

پر به سوی قبله های گشاده است

وز پرنده هم پرنده تر

دل به اوج ها نهاده است

کابل !

در میان رسته ات

زرگران زرو لاجورد

خلقه ها به گوش آفتاب کرده اند

حلقه ها به گوش ماه

حلقه به گوش هر یک از ستاره

و آهنگران تو

پتک ها بلنو

کوره ها و سینه ها همیشه گرم

عصر تازه ، زنده گی تازه را عقید مند

کابل !

ای تو شهر شهر ها

شهر انقلاب

شهر کار

آشیانه امید های من (2)

باز هم شعری از یکی از شاعران مدیحه سرا و وابسته به اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی سابق در همین مجموعه در رویه 150 تحت عنوان شهر قهرمان می باشد این شاعر دستگیر پنجشیری است .



3 (دستگیر پنجشیری در سال 1312 خورشیدی متولد شده بعدا در دارلمعلمین کابل درس خوانده و تحصیلات خود را در دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کابل به پایان رسانیده است در ادارات مختلف مطبوعات مشغولیت های کاری داشت بعد از کودتای ننگین ثور منحیت وزیر تعلیم و تربیه ، وزیر فواید عامه و هم مدت کوتاهی ریاست اتحادیه نویسندگان را پیش برده است . کار نویسنده گی و سرودن شعر را از جوانی آغاز کرده و اکثر شعرهای انقلابی سروده است شعر شهر قهرمان هم به اصطلاح یکی از شعرهای انقلابی اش می باشد .

شهر قهرمان

کابل تو قلب پر تپش خلق کشوری
چشم و چراغ مردم بیدار خاوری
سرباز راه صلحی و آزادی وطن
چون موج مست حمله جانان آوری
در آسمان صاف و کبود جهان او
گلگون ستاره ای و شهاب شناوری
شمشیر آبداری و چون کوه استوار
هرگز هرسر نبرد به کس خم نیاوری
دربحر پرتلاطم رزم زمان ما
شرق نوین به جوش و خروش نو آوری
تاکی به گرد خویش بگردی چون آسیاب
از بهر چه به خلق وطن دیر باوری
این ده و روستاست کمر بند محکمت
آخر چرا؟ به دهکده ها رو نیاوری
تا توده های ده نیاید به سوی تو
کی دشمنان خویشتن از پار در آوری
نام و نشان تازه به دست اوری به حق
گر ریشه های فقر و ستم را بر آوری
از قله های سرکش پنجشیر و بامیان
روزی که مردمان وزن را فر آوری
درقلب آسیا شوی شهر قهرمان
شهر پراز شکوه و جلال نو آوری

کابل تو وارث سنن توده هاستی
باشد چنین قضاوت تاریخ و داوری
تا نبض شوروی بتپد از برای صلح
هرگز مگو که کابل بی یار و یآوری
پس زنده باد کابل حماسه ساز ما
این گوهوار صلح و نبرد دلآوری (3)

26 سرطان مسکو

همچنان در این مجموعه دو شعر به زبان پشتو از دوشاعر دیگر که عضویت حزب دموکراتیک خلق و پرچم را داشتند نیز انتشار یافته شعر « مسکو - کابل » از سید ظاهر بینا و شعر « دکابل سیند » از عبدالله خدمتگار پختانی .

مجموعه کابل در آئینه شعر

1 - رویه 146

2 - رویه 156

3 - رویه 151